

## بحران در رژیم اسلامی و غیبت ال‌ترناتیبو انقلابی

در شرایطی که جمهوری اسلامی دچار بحران در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و مشروعیت اجتماعی‌ست، طبقه حاکم به دنبال بازسازی هژمونی خود است. این بازسازی تنها با سرکوب ممکن نیست و نیاز به چهره‌هایی دارد که بتوانند اعتراضات را مهار کنند. در نبود یک ال‌ترناتیبو انقلابی قوی و سازمان‌یافته، فضا برای ظهور نیروهای «میانجی» فراهم می‌شود؛ نیروهایی که کارکردشان حفظ کلیت نظم در یک چارچوب اصلاحاتی و جلوگیری از خیزش مردمی‌ست که دیگر از کنترل آن‌ها بیرون نرود.

### ❖ ۱. ترکیب اجتماعی-سیاسی مثلث نمنا (نرگس محمدی، موسوی و تاجزاده)

● میرحسین موسوی: نماینده بورژوازی بوروکراتیک و تکنوکرات جمهوری اسلامی، کسی که در دهه ۶۰ نخست‌وزیر سرکوب، جنگ و اعدام‌ها بود. نقش او امروز، ارائه یک چهره «گذشته‌نگر اصلاح‌طلبانه» است که از اسلام سیاسی و رژیم را زیر سوال برده است، ولی هنوز پایبند به نظام است. پایگاه طبقاتی او عمدتاً در بخش‌هایی از خرده‌بورژوازی شهری و بدنه سابق حاکمیت است. تحلیل آن‌ها به قلم سرورش، تحت عنوان «گذار طلبی»، در واقع طرحی‌ست برای برون‌رفت از انسداد سیاسی، پیش از آن‌که شرایط از کنترل خارج شود.

● تاجزاده: روشنفکر طبقه متوسط جدید، متصل به نهادهای امنیتی-فرهنگی سابق و فعلی. او زبان نرم‌تری دارد، اما درون‌مایه گفتمانش، مهار بحران از طریق رفرم و بازسازی ساختار قدرت است، نه انقلابی‌گری.

● نرگس محمدی: فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی که با دریافت جایزه نوبل، به چهره‌ای جهانی تبدیل شد. نقش او اکنون فراتر از کنش فردی‌ست؛ او به‌عنوان نماد «جامعه مدنی» و «مقاومت بدون براندازی» مورد استفاده قرار می‌گیرد تا گفتمان مدنی به‌جای گفتمان طبقاتی بنشیند. هر چند موقعیت شخصی‌اش مبارزاتی و محترم است، اما کارکرد نمادین‌اش در کنار موسوی و تاجزاده به نفع بازآرایی نظم است، نه تغییر بنیادی آن.

### ❖ ۲. نقش این مثلث در آرایش جدید قدرت

این سه، با تشکیل یک قطب به‌ظاهر منتقد، تلاش دارند نیروی اجتماعی معترض را از مسیر رادیکال خود منحرف کرده و به درون ساختار بازگردانند. این پروژه، چیزی جز بازتولید همان نظم سرمایه‌داری نیولیبرال در قالب اسلامی نیست. آن‌ها از «گذار» سخن می‌گویند، اما هر سه به نوعی مدافع انتقال نرم قدرت‌اند. عملاً نقش‌شان چیزی‌ست شبیه به نقش «کالبد مرده مشروطه‌خواهی» در اواخر دوران پهلوی.

### ❖ ۳. نسبت این پروژه با طبقه کارگر و تهیدستان

در گفتمان این مثلث، طبقه کارگر، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و زحمت‌کشان غایب‌اند. آن‌ها نه درباره خصوصی‌سازی، نه سرکوب تشکل‌های مستقل و نه شکاف طبقاتی سخنی دارند. شعارهای‌شان عمدتاً معطوف به اصلاح در سطح قدرت سیاسی‌ست، نه دگرگونی در مناسبات تولید. این در حالی‌ست که طی دو سال اخیر، جنبش‌های کارگری، معلمان و بازنشستگان بیشترین هزینه را داده و خواسته‌های مشخص طبقاتی و ساختاری داشته‌اند. بیانیه‌ها و مواضع مثلث نمنا عملاً آن نیروها را حذف یا بی‌اثر می‌کنند.

#### ❖ ۴. کارکرد واقعی این نیروها: سوپاپ اطمینان نظم موجود

این نیروها با ژست مدنی و چهره حقوق‌بشری، نقش سوپاپ اطمینان را برای جمهوری اسلامی بازی می‌کنند. آن‌ها سعی دارند در برابر رادیکالیزه شدن جامعه، یک مسیر بی‌خطر و کنترل‌شده پیشنهاد دهند: گذار تحت نظارت و درون ساختار.

این دقیقاً پروژه خرده‌بورژوازی در لحظه بحران است: نه توان سرنگونی دارند، نه خواهان حفظ وضع موجودند، و در نهایت به ابزار مهار انقلاب تبدیل می‌شوند.

بهترین شکل وحدت زحمتکشان و تنها راه ممکن

در غیاب یک آلترناتیو انقلابی سازمان‌یافته، نیروهایی چون نم‌تا می‌توانند فریبنده ظاهر شوند. اما کارگران، معلمان، پرستاران و زحمتکشان باید بدانند:

این مثلث، نماینده آنان نیست.

راه نجات از این بن‌بست، تنها از مسیر تشکلیابی مستقل، اتحاد طبقاتی و ساختن آلترناتیو شورایی از پایین به بالا ممکن است.

تجربه تاریخی نشان داده: هرگاه مردم به نیروهای میانجی دل بستند، انقلاب‌شان مصادره شد.

مردم خواهان نان، کار، مسکن، آزادی و دموکراسی شورایی هستند.

ناصر کمالی

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵

پیوست: درباره «نم‌تا»

«نم‌تا» مخفف سه نام نرگس محمدی، میرحسین موسوی و مصطفی تاج‌زاده است؛ ترکیبی نمادین از

چهره‌هایی که در بزنگاه‌های بحرانی، با وجود تفاوت‌های ظاهری، نقش مشترکی ایفا می‌کنند: مهار

نارضایتی‌های اجتماعی و بازتولید نظم موجود با چهره‌ای اصلاح‌طلبانه و مدنی.

در تحلیل سیاسی، «نم‌تا» نه یک جریان برانداز یا آلترناتیو انقلابی، بلکه یک دیوار نم‌کشیده است؛ دیواری که

با ظاهر مقاومت، مانع عبور رادیکال از کلیت نظم حاکم می‌شود — عبوری به سوی نظم مردمی، شورایی،

و برآمده از مبارزات زحمتکشان.

مثل مثلث بیق که از ترکیبی بر اساس اسم بنی صدر، یزدی و قطب زاده بود.